

آقای میرزا سید علی خان حیدر رئیس
 کپته نرقی نیز نطقی ایراد نمودند از
 طرف محصلین نیز سرود های ملی در
 بین هاله حضار و اعثک موزیک وارکستر
 در قرین بود
 قلوب حضار از وجد و سرور کاملاً
 سرشار و برق امیدواری از چشم های
 آن ها طالع بود
 تا از اندامات آقای کرهن صدق
 سرور و مشوقیم
 لشکر
 در شماره قبل مکتوبی از طرف
 آقای خوشی لسان مبنی بر تبریک نامه
 مجیدیم درج نمودیم ولی بواسطه غفایت
 اجزاء قسمتی که مضمون اظهار تشکر از ایشان
 بود بطیغه فرستاده نشده بود
 ما از احساسات ایشان تشکر نموده
 سلامهای برادرانه خود را بایشان تقدیم
 می داریم
 تکریمات انجمن ملتی
 همان طوری که از طرف ما پیش
 نهاد شده بود از طرف انجمن ملتی طهران
 تکریمات تسامت آمیزی بخانواده مرحوم
 راتنو وزیر امور خارجه المان مختاریه
 و تکریم تشکری نیز به مجمع دوستان
 فلسطین یهودی بر اشکاتون بخارنه گردید
 تکریمات تبریکی نیز از طرف همان
 انجمن محترم به تشکلات کل صهیونیت
 بمناسبت اعطاء حق ایجاد مرکز ملی
 یهود در فلسطین یادین مختاریه شد
 از اینکه کار کنان انجمن ملتی به
 پرشتمدات مائرتیب اثر میدهند فوق الباده
 سرور و تشکرات قلبی خود را بر رئیس
 واعضای محترم آن انجمن قدیم مبداریم
 آقای دکتر لیمان مکتوبی راجع
 بقدمانی که در خصوص مجازات قاتلین
 بعمل آورده اند بداره نوشته اند که در
 شماره آتی درج خواهد شد

کلمات و منتهی
 از آرتان امراض ملات و دلتانی
 است
 آلفرد دو برفی
 حافظ ترین طبیب و بزرگترین
 تسلی بخش از برای امراض قلبی و
 روحی کار است
 ایزل دشانه
 اهل کاری و لایقیدی تجلی و میل
 بزندگانی بی درد سو است که وجدان را
 ضمیم و شخص را فاسد و بالاخره معدوم
 میسازد
 لامونه
 اوار حقیقت و شمه صداقت است
 که ظلمت و هم و استقامت را برافرو
 میسازد
 تیاکول
 راستی و درستی زندگی سعادت
 مندی از برای شخص تهیه میکند
 سن گول ستن
 هر گس دارای طاقت و صبر کاملی
 باشد از برای مقاومت با هر پیش آمدی
 جرأت و جرات کافی خواهد داشت
 داود تارک
 بزرگترین دشمن زن هانا دلتانی و
 ومالات است
 پوان ژاته

نظامنامه اساسی
 اصل بیست و ششم
 ساختن راههای آهن یا سوسه خواه
 بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی
 اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب
 مجلس شورای ملی است
 اصل بیست و هفتم
 مجلس در هر جا تقصی در قوانین
 و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند
 یوزیر مسؤل در آن کار اخطار خواهد
 کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازم را بدهد
 اصل بیست و هشتم
 مهکامه مؤیری برخلاف یکی از
 قوانین موضوعه که بسجده هارون رسیده اند
 بشتیاه کاری اسکام آتبی یا شتایی از
 پشکا، مقدس اوکاه صادر نماید و مستمسک
 مساهله وعدم مواظبت خود قرار دهد بحکم
 قانون مسؤل ذات مقدس هارونی خواهد بود
 اصل بیست و نهم
 هر وزیری که در امری از امور
 مطابق قوانینی که بسجده هارونی رسیده
 است از عهده جواب بر نیساید و معلوم
 شود که تقص قانون و تخلف از حدود
 مقرر کرده است مجس عزل او را از
 پشکا، هارونی مستعدی خواهد شد و بعد
 از وضوح خیانت در محکمه مدلیه دیگر
 بخدمت دیلتی منصرف نخواهد شد
 اصل سی ام
 مجلس شورای ملی حق دارد
 مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه توسط
 هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از
 اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند
 بمرض پشکا، مقدس ملوکانه برساند وقت
 شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از
 حضور مبارک استبدان نمود
 يك صفحه از تاریخ قدیم
 فاجعه بنی اسرائیل
 وقتیکه شروت رانی و نین پیروی

خطرات
 قریباً بطور منفکی جریده مصر (آسیا) در نحو نظر و مدیریت آقای
 میرزا اسدالله خان - فرهی - با مقالات سرود مند ادبی منتشر خواهد شد
 آدرس
 سرچشمه - جنب کوچه میرزا محمود وزار در بلاخانها - تانن نوره ۴۷
 نظام و بی اعتدالی سلاطین بنی اسرائیل
 به اعلی درجه ترقی رسید و مرض مرم
 نفاق مانند سرطان پریکر جسم آنها استبدلا
 یافت و بخت نصر پادشاه آشور موقع را
 مقتصد شمرده به فلسطین تاخت
 شهر ما را ویران نموده قصبیات را
 غارت کرد دهات را خالی از سکنه نمود
 و منصورانه بسوی اورشلیم تاخت
 محاصره این شهر مقدس یکسال و
 نیم طول کشید - ولی اورشلیم تسلیم
 نگردید
 دشمن از ورود ما بحتیاج زندگانی
 بشهر مانع شد قنوت را خراب و مقدم
 ساخت از جریان آب بشهر جلوگیری کرد
 و یک قطره آب بشهر داخل نمیشد -
 کایه ارزاق تمام شده حیوانات
 حلال گوشت خورده شد
 دواب و چارپایان بمصرف رسید
 ولی اورشلیم تسلیم نگردید
 از سگ و گریه و وزش و امتل این
 آثاری باقی نماند
 سرباز کرسنه ماند
 اما اورشلیم تسلیم نشد
 انبهارهای آب حوضها کند آبها
 نیز خالی شدند
 اورشلیم استقامت نمود
 اول بادزار دواب و بعد بادزار
 انسان رفع عطش آردند
 ولی تسلیم نشدند
 وقتی که دیگر چیزی باقی نمانده
 بود مادران اطفال خود را ذبح کرده
 پختند و برای سرباز کرسنه که سکرها
 را حفظ می نمود هدیه نمودند

ولی تسلیم نگشتند
 طاعون و با وسایل امراض مسریه
 هر یک بنوع خود تلفات هولناک
 به اهلای وارد میکرد و وحشت عم می حکم
 فرما بود ولی بایک روح قوی مدافعه می
 نمودند
 وقتیکه دشمن زحل مدافعین شهر
 اطلاع یافت بوسبب الات حربیه مخصوص
 وای بافکاری های بی شماری موفق
 شد دراز شهر را سوراخ کند
 قوشون بخت نصر داخل شهر شد
 اهالی و سربازان رشید که قیمت خون خود
 و حیات اطفال شهرین حصار شهر را حفظ
 کرده بودند رشدها چنکیدند
 ولی تسلیم نگشتند
 قبانه آنها شبیه بود بمردمهایی که
 از قهر فرار کرده باشند قدرت راه رفتن
 و قوه تکلم نداشتند فقط روح باجشوی
 و حین وطن پرستی که دران کایت های
 بی جان بود برای وطن می جنگید
 و تسلیم نمی گشت
 طول محاصره و استقامت سربازان
 مغلوب در قوشون فاتح حالت سبعت
 و دربرگی را ایجاد کرده بود
 سرباز وحشی بی رحمانه اشخص
 سالمالبینه را مقتول ساخت
 یزنها و اطفال نیز رحم نکردند
 مردها و پیر زنها نیز مورد شفت واقع
 شدند
 باز هم سربازان یهود از وطن دفاع کرده
 تسلیم نگشتند
 جنگ سختی میان شهر و خندها
 واقع شد وقتی که گوجه ها و مهندانی

را از زبان بردارند
 این بود خلاصه مسلك مخصوص از وی
 و کاتولیک های تندرو صاحبان این مسلك که از ۲۵
 سال با نظر دندانهای نیز خود را به یهود نشان
 میدادند و داشتند که در این موقع بحکم یهود در یفوس
 طای می چسبیدند
 کاپتان آلفرد در یفوس کجست؟
 کاپتان آلفرد در یفوس خانواده اش از اهالی
 یزرائیل بود
 در شهرک (یوهوز) متهم بودند پدر و
 برادره اش فوت کرده سه همشیره و سه برادر
 داشته هر سه همشیره اش شوهر کرده یکی در
 یزرائیل و دیگری در (کارپاتراس) و سهمی در
 بریس اقامت می کردند برادرانش در یوهوز
 که صاحب کارخانه ربمان ریبی بودند پدرش
 افاضل در یفوس در ۱۳ مه ۱۸۷۲ در ناحیه
 کارپاتراس (نیپت فرانسه را قبول نموده و
 فرانس که هنوز بن رشد بالغ نشده بودند بر
 سب نانون فرانسوی محبوب می شاد یکی از
 آن بچه ها کاپتان آلفرد در یفوس بود که در سال

۱۸۵۹ در شهرک یوهوز متولد شده بود
 موقه جنگ فرانسه و المان شروع شد آلفرد
 یازده سال داشت و در حین خانه مجاریه دوازده
 ساله بوده یعنی بزرگ سن و سالی رسیده بود که
 داغ درونی را که از الحاق اتریش آورن به المان
 بدل می فرانسوی رسیده بود احساس مینمود
 جرایدی که در فرانسه بر علیه موسوی ها
 مقالاتی انتشار می دادند اگرچه از یازده سال به
 این طرف این جمله را که (یهودیها وطن ندارند)
 تکرار می کردند ولی بقول یکی از اعضاء پارلمان
 فرانسه این حرف در باره کاتولیکهای افراطی صدق
 می کند که منافع کلیسای روم را بنافع ملی و طایفه
 مملکت خود ترجیح داده و مافوق آن فرض
 می کنند
 اما موسویهای فرانسه آنها بواسطه این که
 بحقوق سیاسی و مدنی که در اغلب ممالک از آن
 محروم بوده و در فرانسه مسائل بان گردیده اند
 بگرات احساسات وطن پرستانه خود را نسبت به
 فرانسه بعرض شهوات آشافته اند مخصوصاً خانواده
 در یفوس موهوزی عملاً رابطه خود را بفرانسه
 اثبات نموده بودند

آلفرد در یفوس برای این که يك نفر از اس
 لورنی بوده و مسلك دیگری غیر از نظام را
 مناسب حال خود نمیدید در سن یازده یمنی در
 سال ۱۸۷۴ برای دادن امتحان دخول مدرسه
 پواتیئنگ بپاریس اعزام گردید پس از اكمال
 تحصیل در مدارس شایتل و سنت برب در سال
 ۱۸۷۸ با نمره ۱۷۸ بمدرسه پواتیئنگ قبول شد
 در سال ۱۸۸۰ با نمره ۱۲۸ بدرجه نایب
 دویم از آنجا خارج شد بعد بمدرسه تطبیقات
 (پواتیئنگ) با نمره ۲۸ داخل شد و بنمره ۳۲ خارج گردید
 و مقه قب اكمال تحصیل در فونتانو-مونت-الیب دویم در
 فوج ۳۱ توپخانه در بلده مانس تعیین گردید از
 سال ۱۸۸۲ تا آخر سنه ۱۸۸۳ در آنجا
 ماند
 از ۱۸۸۴ مامور بسمت چهارم افواج توپخانه
 گردیده و در ۱۸۸۹ به رقیه سلطانی رتقاء
 یافته مامور فوج سست و بکم توپخانه گردیده و
 معاونت مدرسه نظامی اعمال قورخانه (پوز)
 نیز بعهده او محول شد و در ۱۸۹۰ با نمره ۶۷

بمدرسه نظام قبول گردید در ۱۸۸۲ با نمره ۹
 با دیپلوم عالی بارتیه کاپتان ارکان حرب خارج
 شده و فرماندهی فوج چهارده توپخانه تعیین گردید
 در ۱۸۹۳ موافق اصول جاریه در فرانسه برای
 تزییند معاومات مامور خدمت در ارکان حرب شده
 ابتدا بنسبه سیم بعد دریم و بالاخره بنسبه چهارم
 داخل شد
 اینک از این تراجم حال مختصر بخوبی
 ظاهر است که آلفرد در یفوس با این که در سنه
 ۱۸۷۸ از حیث تحصیلات در درجه متوسط بوده
 در نتیجه سعی و کوشش مقادیر در ۱۸۹۲ بدرجه
 اول رسیده است و مشار الیه یادشدهائی که گرفته
 بود هیچ نقصانی نداشت بنا بر این همیشه بایک
 نظر احترام کارانه باو نگاه کرد و او را بشخص
 با مسلك و فعال و صاحب منصب متفکر و ثابت قدم
 می دانستند ولی بکدمه وضع کار تقییر کرد
 رئیس شنبه چهارم ارکان حرب کانل فابری و ژنرال
 اینجا مامور بترن شروع بدرفتناری یا در یفوس
 کردند در صورتیکه هیچ کس باور نمی کند که يك
 صاحب منصب ۳۳ ساله در رتبه خضال نظامی
 خود را از دست بدهد

